



۲۴۹۰۸

۱۳۲۸ / ۴ / ۲۹



وزارت فرهنگ و آموزش عالی

دانشگاه قم

موضوع:

آثار ناشی از تجدید نظر احکام کیفری

بیان نامه کارشناسی ارشد

حقوق جزا و جرم‌شناسی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر محمود آخوندی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر جعفر گوشا

نگارش: عزیز الله کشاورز

1807/2

۲۴۹۰۵

تقدیم به:

محضر مبارک صاحب الزمان،

پیشگاه پرچم نور،

بقیة الله الاعظم،

صاحب تسبیح جامع،

و معلم وجود در مراتب تسبیح،

که به یمن او مخلوقات روزی داده می شوند،

و به وجود او آسمان و زمین پابر جاست.

عبد صالح،

معدن وحی،

مبین قرآن،

و محیی احکام آن در سرتاسر جهان.

تقدیر و تشکر:

پس از حمد و سپاس خداوند سبحان و سلام و درود به انبیاء صلوات الله علیهم و ائمه اطهار علیهم السلام؛ بر خود فرض میدانم که از زحمات بیدریغ استاد فرزانه جناب آقای دکتر محمود آخوندی که با نظارت مستمر و راهنماییهای استادانه و مشفقانه همراه با بزرگواری و بردباری باعث به اتمام رسیدن این تحقیق گردید و همچنین از تلاشهای استاد محقق جناب آقای دکتر جعفر کوشا که برغم کثرت مشغله علمی بر ما منت گذاشته و امر مشاوره این پایان نامه را قبول فرموده و ما را هدایت و ارشاد نمودند، تقدیر و تشکر بعمل آورد. اگر چه زبان و قلم قاصر از آن است که کمترین زحمات آن اساتید عالیمقام را بیان نماید، توفیقات روز افزون ایشان را در پناه حضرت ولی عصر از خداوند حکیم خواستاریم.

همچنین از مسئولان دانشگاه قم و کتابخانه آن دانشگاه که کمال همکاری را در فراهم نمودن منابع تحقیق و ارائه آنها به محقق داشتند، سپاسگزاری می شود.

(الف)

فهرست مطالب

ج	مقدمه و تقسیم بندی مطالب	۱
۱	فصل اول: کلیات	۱
۱	مبحث اول: نگرشی کوتاه بر تاریخچه تجدید نظر	۱
۱	گفتار اول: سابقه تجدید نظر خواهی در قوانین موضوعه قبل از انقلاب	۱
۱	الف: جنایت	۱
۱	ب: جنحه	۱
۱	ج: خلاف	۱
۳	گفتار دوم: تجدید نظر خواهی در قوانین موضوعه بعد از انقلاب	۳
۷	گفتار سوم: فلسفه تجدید نظر خواهی	۷
۸	مبحث دوم: طریقه تجدید نظر خواهی	۸
۱۰	گفتار اول: مهلت تجدید نظر خواهی	۱۰
۱۳	گفتار دوم: موعد و خواهی از احکام غیابی	۱۳
۱۵	گفتار سوم: بررسی تعیین مهلت از نظر فقهی	۱۵
۱۶	گفتار چهارم: مشکلات ناشی از عدم تعیین مهلت	۱۶
۱۷	گفتار پنجم: ضرورت تعیین مهلت تجدید نظر خواهی	۱۷
۱۸	مبحث سوم: موضوع تجدید نظر	۱۸
۱۸	گفتار اول: بررسی ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب	۱۸
۲۳	الف: احکام	۲۳
۲۵	ب: قرارها	۲۵
۲۶	۱- قرار موقوفی تعقیب	۲۶
۲۷	۲- قرار منع تعقیب	۲۷
۲۸	۱-۲ قرار منع تعقیب بعلت جرم نبودن عمل ارتكابی	۲۸
۲۸	۲-۲ قرار منع تعقیب بدلیل عدم کفایت ادله	۲۸
۲۹	۳- قرار جلب بمحاکمه	۲۹
۳۰	۴- قرار بازداشت موقت	۳۰
۳۱	۵- قرار عدم صلاحیت	۳۱

(ب)

- گفتار دوم: واخواهی و مقررات فعلی ۳۲
- مبحث چهارم: رسیدگی دو مرحله‌ای از نظر فقهاء امامیه ۳۳
- گفتار اول: از نظر مخالفان تجدید نظر ۳۴
- الف: تجدید نظر از رای فقیه جامع الشرایط ۳۴
- ب: موقعیت قاضی مأذون از نظر مخالفان ۳۸
- گفتار دوم: از نظر موافقان تجدید نظر ۳۹
- الف: رسیدگی مجدد نسبت به رأی فقیه جامع الشرایط ۳۹
- ب: دیدگاه فقهاء در مورد رای قاضی مأذون ۴۲
- نتیجه گیری** ۴۴
- مبحث پنجم: جهات درخواست تجدید نظر ۴۶
- گفتار اول: بررسی ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۴۶
- الف: بند ۱ ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۴۶
- ب: بند ۲ ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۵۰
- ج: بند ۳ ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۵۱
- ۱ - منظور از عدم صلاحیت قاضی ۵۱
- ۲ - عدم صلاحیت و مرجع رسیدگی ۵۵
- ۳ - امکان رسیدگی مجدد پرونده توسط قاضی صادرکننده رأی بعد از صدور رأی ۵۶
- گفتار دوم: بررسی ماده ۲۵ قانون تشکیل دادگاهها عمومی و انقلاب ۵۷
- الف: ادعای مخالف بودن رأی با قانون ۵۷
- ۱ - معنای خلاف قانون بودن ۵۷
- ۲ - رویه کشور ایران در مورد مخالفت رأی با قانون ۵۷
- ب: ادعای عدم صلاحیت دادگاه ۵۸
- ۱ - صلاحیت ذاتی ۵۹
- ۲ - صلاحیت محلی یا نسبی ۶۰
- ۳ - صلاحیت شخصی ۶۲
- فصل دوم: آثار تجدید نظر** ۶۳
- مبحث اول: اثر تملیقی ۶۳

(پ)

- گفتار اول: تعلیق از نظر فقهی ۶۳
- گفتار دوم: تعلیق از نظر حقوقی ۶۴
- الف: تعلیق در امور حقوقی ۶۶
- ب: تعلیق در امور جزائی ۶۷
- گفتار سوم: فلسفه تأخیر (تعلیق) اجرای حکم ۶۹
- گفتار چهارم: معنی ترتیب فساد و مرجع تشخیص آن در ماده ۳۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۷۰
- نتیجه گیری ۷۲
- گفتار پنجم: تأثیر تغییر قانون در زمان اجرای حکم ۷۳
- الف: عطف بماسبق نشدن قوانین ماهوی ۷۳
- ب: مستثنیات قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین ماهوی ۷۴
- ۱ - قوانین تفسیری ۷۴
- ۲ - قوانین زایل کننده آثار محکومیت جزائی ۷۴
- ۳ - قوانین مربوط به وضعیت تدابیر تأمینی ۷۵
- ۴ - عطف قوانین اخف بماسبق ۷۵
- گفتار ششم: استثنائات تعلیق اجرای حکم ۷۶
- الف: وقتیکه حکم در خصوص برائت متهم باشد ۷۶
- ب: وقتیکه حکم جزای نقدی بوده یا حکم راجع به تأدیه خسارت طرف باشد ۷۷
- مبحث دوم: اثر انتقالی و قلمرو آن ۷۷
- گفتار اول: بر حسب موضوع مورد تجدید نظر ۸۰
- الف: اختیارات تجدید نظر خواه در رابطه با موضوع ۸۰
- ب: منع ادعاء جدید در مرحله تجدید نظر ۸۱
- ۱ - منع ادعاء جدید و رسیدگی دو مرحله ای ۸۲
- ۲ - منع ادعاء جدید و مرجع تجدید نظر ۸۳
- ج: امکان تغییر عنوان وصف مجرمانه در مرحله تجدید نظر ۸۴
- ۱ - رویه کشور ایران ۸۴
- ۲ - رویه کشور فرانسه ۸۵
- گفتار دوم: بر حسب عنوان تجدید نظر خواه ۸۶

(ت)

- الف: تجدید نظر خواهی قاضی ۸۶
- ب: تجدید نظر خواهی دادستان ۸۸
- ۱ - تجدید نظر خواهی دادستان جهت حفظ قانون ۸۸
- ۲ - آیا قاضی میتواند نقش دادستان را داشته باشد؟ ۹۲
- ۳ - امکان تشدید مجازات و فلسفه آن ۹۲
- ۴ - تجدید نظر خواهی دادستان و رویه کشور فرانسه ۹۳
- ۴-۱ - فرجام به نفع قانون ۹۳
- ۴-۲ - فرجام بسبب تجاوز از حدود ۹۳
- ۵ - تجدید نظر خواهی دادستان بلحاظ کم بودن مجازات ۹۴
- ج: نقد و بررسی ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۹۵
- مسئله اول: تبعیت یا عدم تبعیت شعبه مرجوع الیه از نظر شعبه دیوان عالی کشور ۱۰۳
- مسئله دوم: مهلت تجدید نظر خواهی در ماده ۳۱ ۱۰۴
- د: تجدید نظر خواهی شاکی یا مدعی خصوصی ۱۰۶
- ه: تجدید نظر خواهی متهم ۱۱۰
- ۱ - آیا ادعای محکوم علیه برای تجدید نظر خواهی باید همراه دلیل باشد ۱۱۲
- ۲ - تجدید نظر خواهی بعضی از محکوم علیهم و اثر آن ۱۱۳
- گفتار سوم: تجدید نظر بر حسب مرجع تجدید نظر ۱۱۳
- الف: وظیفه دادگاه تجدید نظر استان ۱۱۴
- ۱ - تأیید (ابرام) ۱۱۴
- ۲ - نقض ۱۱۴
- ۲-۱ - نقض احکام ۱۱۴
- ۲-۲ - نقض قرار ۱۱۴
- ۳ - رفع اشتباه در حکم ۱۱۴
- ۳-۱ - احتساب محکوم به یا خسارت ۱۱۵
- ۳-۲ - تعیین نوع مجازات ۱۱۵
- ۳-۳ - انطباق عمل با قانون ۱۱۵
- ب: وظیفه دیوان عالی کشور در مقام تجدید نظر ۱۱۶

(ث)

- ۱۱۷ ۱ - نقض بلا ارجاع
- ۱۱۷ ۲ - نقض حکم بعلمت نقص تحقیقات
- ۱۱۸ ج: رسیدگی ماهیتی دیوان عالی کشور و ایراد آن
- ۱۱۹ گفتار چهارم: تجدید نظرخواهی تبعی
- ۱۱۹ الف: هدف از تأسیس تجدید نظرخواهی تبعی
- ۱۲۰ ب: مهلت درخواست تجدید نظرخواهی تبعی
- ۱۲۰ ج: استرداد تجدید نظرخواهی تبعی و تأثیر آن
- ۱۲۱ ۱ - رویه کشور فرانسه
- ۱۲۱ ۲ - رویه کشور ایران
- ۱۲۲ گفتار پنجم: اثر انتقالی و ضرر و زیان
- ۱۲۲ الف: فسخ یا ابرام رأی و رابطه آن با مسئله ضرر و زیان
- ۱۲۳ ب: تعریف ضرر و زیان
- ۱۲۴ ۱ - ضرر و زیان مادی
- ۱۲۴ ۲ - ضرر و زیان معنوی
- ۱۲۵ ج: طرق ترمیم ضرر و زیان
- ۱۲۵ ۱ - ترمیم عینی
- ۱۲۵ ۲ - پرداخت خسارت
- ۱۲۶ ۳ - الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید
- ۱۲۷ گفتار ششم: قطعیت رأی
- ۱۲۷ الف: قطعیت در قوانین موضوعه
- ۱۲۹ ب: تاریخ قطعیت رأی
- ۱۳۰ نتیجه گیری
- آخر منابع و مأخذ

(ج)

مقدمه:

اگر چه امروزه در نظامها و سیستم‌های دادرسی ضرورت وجود قوانین شکلی به منظور حفظ نظم و رعایت حقوق فردی و اجتماعی و اجرای عدالت کیفری بعنوان یک اصل موضوعی مورد توجه قرار گرفته است و اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست و تئوریهای جدید حقوقی که توسط مکاتب مختلف ارائه میگردد و همچنین دکترین و نظریات علماء و استاتید حقوق همه و همه در راستای اهداف فوق الذکر سیر می نمایند. اما متأسفانه وقتی به تاریخچه قانونگذاری در ایران توجه می نمائیم نه تنها سیر تکاملی خود را از دست داده است، بلکه هر چه زمان میگذرد از واقعیات و تئوریهای جدید حقوقی بیشتر از پیش فاصله میگیرد، یکی از دلایل آشکار این مدعی تغییرات مکرر قوانین می باشد. بعنوان مثال مقنن اسلامی بعد از انقلاب بطور مکرر قوانین راجع به تجدید نظر از آراء دادگاهها را تغییر داده است و هیچگاه قوانین لاحق نواقص قوانین سابق را بر طرف نکرده است بلکه معضلی بر مشکلات قانونی و دستگاه قضائی افزوده است و همین امر باعث ایجاد رویه‌های مختلف، تشتت آراء و تفسیر نامعقول از قوانین گردیده است.

تشخیص موارد ناسخ و منسوخ از دیگر مشکلات این وضعیت میباشد زیرا در موضوعات واحد مکرراً قوانینی بتصویب می رسد که با اندک تأملی به ضد و نقیض بودن آنها میتوان پی برد. همین تغییرات مکرر و وضعیت موجود ضرورت تحقیق در امر تجدید نظر را در چندان می نماید، زیرا:

اولاً: تمامی دانش پژوهان و محققین و دانشجویان رشته حقوق که می خواهند با اصول قانونگذاری در ایران آشنا شده یا قصد تحقیق در آئین دادرسی کیفری در ایران را دارند از چنین منابعی استفاده بنمایند.

(ج)

نایا: تصویب مکرر قوانین در زمینه تجدید نظر منجر به طرح مباحثی از جمله موارد ناسخ منسوخ، جمع بین قوانین سابق و لاحق و چگونگی تجزیه و تحلیل قضایی از آن قوانین گردیده که ضرورت مطالعه همه جانبه در این خصوص را محرز می نماید.

نایا: مقنن با بررسی نقطه نظرات و نقد و بررسیهای منطقی نسبت به قوانین موضوعه توسط اساتید و حقوقین و سایر مراجع ذیربط و بهره گیری از آنها در جهت سیر تکاملی در امر قانونگذاری حداکثر استفاده را خواهد نمود.

در این تحقیق از روشهای ذیل استفاده میگردد:

الف: روش تحقیق مطالعه ای: یعنی با استفاده از منابع حقوقی و تعمق و تفحص در آنها اطلاعاتی را بدست آورده و بر اساس آن اطلاعات، موضوع تحقیق مورد بحث و بررسی قرار میگیرد.

ب: روش تجزیه و تحلیل: در این روش محقق با توجه به نظرات موافقین و مخالفین و دلایل و مدارک آنها در خصوص هر موضوع و با عنایت به مستندات قانونی و دکترین حقوقی و آراء مختلف پیرامون موارد مورد بحث به تجزیه و تحلیل و استنباط حقوقی می پردازد. در نهایت محقق نظر خود را در موارد مختلف بطور مدلل و مستند بیان میدارد و در مواردی که لازم باشد ایرادات و اشکالات قانونگذاری بیان شده و راه حل ارائه میگردد.

اما باید به این مطلب مهم اشاره گردد که محقق در امر تحقیق با مشکلاتی مواجه می باشد؛ که عبارتند از:

۱ - امکانات کتابخانه ای دانشکده های حقوقی کشور ایران هر چند تا حدودی مناسب میباشد اما به لحاظ فقدان منابع و کتب حقوقی جدید، عدم وجود سیستم باز کتابخانه ای، فقدان موضوع بندی مجلات حقوقی و عدم دسترسی کامل به آنها امر تحقیق را با مشکل مواجه

(ح)

می نماید.

۲ - کتابخانه‌های دانشگاهها با دانشجویان مؤسسات و سایر مراکز علمی همکاری لازم را نمی‌نمایند این امر ناشی از عدم وجود امکانات کافی اعم از کادر تخصصی، فضای مناسب و کتب مورد نیاز می‌باشد. شاید علت دیگر آن کم اهمیت بودن امر تحقیق در کشورهای جهان سوم است.

۳ - با عنایت به تغییر مکرر قوانین در زمینه تجدید نظر از احکام کیفری، حقوقدانان تمایل چندانی به تألیف و تحقیق و نشر آثار خود ندارند. به همین لحاظ محقق با کمبود منابع مواجه خواهد بود و وقتی ابزار تحقیق در اختیار محقق نباشد، چگونه میتواند یک تحقیق ایده‌آل و شایسته ارائه دهد.

فهرست عناوین در این تحقیق عبارتست از:

فصل اول: شامل بررسی اجمالی تاریخچه تجدید نظر میباشد که در هر علمی بیان تاریخچه از ضروریات مسلم آن علم بشمار میرود بخصوص در علم حقوق بیان تاریخچه جهت تعیین موارد ناسخ و منسوخ ضروری می‌نماید. بعلاوه مهلت تجدید نظرخواهی در این فصل مطرح گردیده، در این خصوص باید روشن گردد که آیا قرار دادن مهلت برای تجدید نظر با شرع مغایرت دارد یا نه؟ و آیا علی‌الاصول عدم وجود مهلت باعث ایجاد مشکلات عملی خواهد شد و تعیین موعد برای تجدید نظر چه ضرورتی دارد؟ و چه ارتباطی بین مهلت تجدید نظرخواهی و قطعیت رأی وجود دارد؟ در مسائل مطروح بنحو کافی و وافی نظریات مختلف فقهی و حقوقی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین موضوع تجدید نظر از دیگر موارد مورد بحث این عنوان میباشد زیرا موضوع تجدید نظر اعم از اینکه حکم یا قرار باشد، آثار و نتایج مختلفی بدنبال خواهد داشت. بعلاوه در وضعیت فعلی در مراجع کیفری و عالم حقوق بحث جدیدی

(خ)

مطرح گردیده که آیا قرارهای کیفی قابل تجدید نظر هستند یا نه؟ که در صورت پاسخ مثبت آثار تجدید نظرخواهی از آنها بایستی مد نظر قرار گیرد. همچنین با عنایت به اینکه نظام تقنینی در جمهوری اسلامی ایران در مورد رسیدگی دو مرحله‌ای یا عدم آن از لحاظ مبانی و اصول ریشه در اختلاف نظر فقها و امامیه دارد. بنابراین نظریات فقهاء در مورد این امر طرح و مورد تجزیه و تحلیل حقوقی قرار خواهد گرفت. و این مسائل مطرح می‌گردد که آیا از نظر فقهاء اصولاً قاضی غیر مجتهد حق قضاوت دارد و اگر حق قضاوت دارد تجدید نظر از رای او جایز می‌باشد یا نظر آنها در مورد قضاوت قاضی مجتهد و تجدید نظر از رای او چه می‌باشد؟ و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چرا برخی از فقهاء فقط به قاضی مجتهد حق قضاوت می‌دهند و تجدید نظر از رای او را جایز نمی‌دانند؟

فصل دوم: راجع به آثار تجدید نظر است. در ابتدا اثر تعلیقی^(۱) مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که در این خصوص بحث و بررسی مفصل و مدلل با استناد به نظریات و دکترین حقوقی قوانین موضوعه و نظریات فقهی بعمل خواهد آمد و باید روشن گردد که آیا در زمان تجدید نظرخواهی و رسیدگی به آن؛ حکم باید اجرا شود یا اینکه تا ختم رسیدگی مرجع عالی اجرای حکم متوقف گردد و بعلاوه در ماده ۳۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب از ترتب فساد بر اجرای حکم سخن بمیان آمده است باید معلوم شود که کدام مرجع این امر را احراز می‌نماید؟ همچنین منشأ و منبع علمی و نظری اجرا یا عدم اجرای حکم در زمان تجدید نظر باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد که چرا مقنن اصل را بر قابل اجرا بودن احکام قرار داده است؟

اثر انتقالی موضوع دیگر مورد بحث این فصل می‌باشد. با عنایت به اینکه در مرحله

۱- هر جا در این تحقیق راجع به اثر تعلیقی بحث می‌گردد منظور از تعلیق، همان تأخیر در اجرای حکم در زمان تجدید نظرخواهی می‌باشد.

(د)

تجدید نظر پرونده و دعوی در مرجع بالاتر مطرح می‌گردد این مسائل قابل طرح است که آیا محکمه عالی حق تشدید یا تخفیف مجازات را دارد؟ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در این خصوص چه نظری دارد آیا اصولاً این قانون اثر انتقالی را پذیرفته یا آنرا نسخ کرده است؟ و آیا اختیارات مرجع تجدید نظر محدود است یا نامحدود و اگر محدود است در چه شرایطی این محدودیت قابل تصور است؟ و آیا عنوان تجدید نظر خواه یا موضوع تجدید نظر چه تأثیری در اختیارات مرجع تجدید نظر دارد؟ اینها از جمله مسائلی است که باید در این مورد، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. بعلاوه در خصوص عنوان تجدید نظر خواه ضمن تجزیه و تحلیل حقوقی قضائی از ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب؛ باید روشن گردد که مراد قانونگذار از احکام قطعیت یافته چه میباشد و همچنین منظور از مخالفت بین با شرع و قانون چیست و آیا اصولاً این نحوه قانونگذاری قابل توجیه است؟ آیا در صورت ارجاع امر رسیدگی طبق ماده ۳۱ قانون فوق الذکر به دادگاه همعرض؛ آن محکمه می‌بایستی از نظر دیوان متابعت کند یا میتواند مستقلاً تصمیم بگیرد و هر فرض چه اشکالاتی بدنبال خواهد داشت؟

در پایان این فصل بحث جنجالی قطعیت آراء خواهد آمد و به این سؤال جواب داده می‌شود که آیا با قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب قطعیت رأی متزلزل گردیده یا خیر؟ مواد قانونی در این مورد با استفاده از سایر منابع حقوقی مورد تدقیق و تحقیق قرار خواهد گرفت.

فصل اول:

کلیات

مبحث اول:

نگرشی کوتاه بر تاریخچه تجدید نظر

گفتار اول:

سابقه تجدید نظرخواهی در قوانین موضوعه قبل از انقلاب:

طبق ماده ۱۸۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب شهریور ماه ۱۲۹۰ جرائم به سه دسته

تقسیم میشوند که عبارتند از:

۱- جنایت

۲- جنحه

۳- خلاف

الف: جنایت: عبارتست از جرمی که جزای آن تهریمی^(۱) و ترذیلی^(۲) با هم است یا فقط

ترذیلی است^(۳). به جرائم جنائی طبق ماده ۴ ق. آ. د. ک (اصلاحی مصوب ۱۳۳۷/۵/۱) در

محاکم جنائی رسیدگی می‌شد؛ احکام این محاکم قطعی نبوده و قابل درخواست رسیدگی

فرجامی^(۴) در دیوان عالی کشور بود که طبق تبصره ۱ ماده ۴۳۰ مکرر ق. آ. د. ک. بعد از ارجاع

۱ و ۲- برای اطلاع بیشتر در مورد «مجازاتهای تهریمی و ترذیلی» به «ترمینولوژی حقوق»، نگارش محمد جعفر جمفری لنگرودی،

۳- ماده ۱۸۲ ق. آ. د. ک.

ص ۶۱۵ مراجعه شود.

۴- ماده ۵۵۸ آ. د. م: مقرر میدارد: «مقصود از رسیدگی فرجامی تشخیص این امر است که حکم یا قرار مورد درخواست فرجامی

موافق قانون صادره شده یا نه. در صورت اول حکم یا قرار ابرام والا با ذکر تمام جهات قانونی مؤثر در نقض حکم یا قرار فرجام

خواسته نقض میشود...».